فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۹۵- صفحات ۲۰۷-۲۲۸

تحلیل اندیشه های اقتصادی – اجتماعی شهید صدر

میثم موسایی[۱]
اسماعیل شیرعلی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

چکیده

این مقاله، منعکس کننده نظرات یکی از نظریه پردازان مهم جهان اسلام است که نظراتش می تواند مسیر رسیدن به اقتصاد سیاسی اجتماعی مبتنی بر آموزه های اسلامی را نشان دهد. نکته کلیدی در تفکر اقتصاد سیاسی شهید صدر این است که به دولت، مسئولیت ها و اختیارات تأکید شده است به نحوی که این مسئولیت ها و اختیارات به تعادل اجتماعی و اقتصادی منجر می شود. در این مقاله، نمونه هایی از اندیشه های اقتصادی شهید صدر به منظور امکان بکارگیری آنها در جهت بهبود وضعیت فعلی اقتصاد ایران بر اساس افکار آن عالم، ارائه می شود.

واژگان کلیدی: *ایدئولوژی شهید صدر، اقتصاد اسلامی، اقتصاد سیاسی- اجتماعی*

طبقه بندی JEL:

[۱]. استاد دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) mousaaei@ut.ac.ir

[۲]. دانشجوی دکترای جامعه شناسی توسعه اقتصادی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدمه

بدیهی است که عملیاتی نمودن آموزه‌های اسلامی در زمینهٔ تولید، توزیع و مصرف، و اثرپذیری مناسبات اقتصادی جامعه از این آموزه‌ها، به سازوکارهای سیاستی‌ای نیاز دارد که پشتوانهٔ علمی و نظری داشته باشند و در حوزهٔ علم اقتصاد قرار گیرند. بر همین اساس، عنوان «اقتصاد اسلامی»، در قلمرو و حقوق اقتصادی اسلام یا مکتب اقتصاد اسلامی، موضوعی پذیرفته شده است و با ابهام و تردید مواجه نیست؛ اما بحث دربارهٔ شکل‌گیری علم اقتصاد اسلامی (نظریات علمی اقتصاد اسلامی) یکی از موضوعات چالش‌انگیز در این زمینه است. برخی صاحب نظران اقتصاد اسلامی دربارهٔ چگونگی و تدوین این نوع نظریات پژوهش‌هایی کرده‌اند که ارزیابی و بررسی همهٔ آنها از حوصلهٔ این مقاله خارج است و باید در جایی مناسب به آن پرداخته شود؛ ولی تبیین و بررسی روش شهید صدر در این باره با محوریت کتاب «اقتصادنا»، به دلیل جایگاه و اعتبار ویژهٔ آن، ما را از طرح بسیاری از مکتوبات دیگر در این زمینه بی‌نیاز می‌نماید.در این مقاله سعی شده است به مبانی اقتصادی – اجتماعی شهید صدر با تأکید بر اثر نفیس "اقتصادنا" پرداخته شود.

۱. علم اقتصاد اسلامی

بی‌شک روش تدوین و شکل گیری علم اقتصاد با روش کشف مکتب اقتصاد اسلامی از نظر شهید صدر تفاوت اساسی دارد؛ زیرا کشف این مکتب، براساس روش استنباط از مفاهیم اسلامی و مدلولات التزامی گزاره‌های فقهی منسجم است. هر چند این روش با روش اجتهاد و استنباط احکام از منابع کتاب و سنت تمایز دارد، بر یک روش خاص استنباط استوار است که در جایی مناسب، باید دربارهٔ آن تحقیق شود. اما شکل‌گیری علم اقتصاد از یک روش تحلیلی-توصیفی بهره می‌جوید. این روش را با توجه به آموزه‌های اقتصاد اسلامی می‌توان به دو گونهٔ متمایز زیر به کار گرفت.

۱-۱. تحلیل رفتارهایی که با آموزه‌های اقتصاد اسلامی شکل گرفته‌اند

تطبیق آموزه‌های اقتصاد اسلامی با روابط اقتصادی- اجتماعی، زمینهٔ تحلیل و ساماندهی گزاره‌های علمی مربوط به پیامدهای عینی عملکرد این آموزه‌ها را فراهم می‌کند؛ همچنان که در نظام سرمایه‌داری، در گام نخست، آموزه‌های اقتصادی لیبرالیسم را اجرا و آن گاه، عملکرد عینی و رویدادهای اقتصادی جامعه را تحلیل علمی و قضایای علم اقتصاد را استنتاج نمودند. بنابراین، تا روابط اقتصادی جامعه براساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی شکل نگیرد و رویدادهای

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

عینی اقتصاد جامعه، از این آموزه‌های نشئت نگیرد، نمی‌توان علم اقتصاد اسلامی را تدوین کرد. در واقع، با اجرای این آموزه‌های خاص در ساحت اقتصاد جامعه، زمینهٔ تحلیل علمی رویدادهای مرتبط با آن فراهم می‌شود (صدر، ۱۳۹۹ق، صص ۳۳۲-۳۳).

۱-۲. تحلیل عملکرد افتراضی اصول قطعی مکتب اقتصاد اسلامی

مفروض این است که اصول قطعی مکتب اقتصاد اسلامی، چارچوب رفتارهای اقتصادی جامعه قرار گرفته‌اند. براساس این فرض، اثار اقتصادی نشئت گرفته از این رفتارها را در قالب گزاره‌های علمی تحلیل می‌کنیم؛ مثلاً از تطبیق اصل مشارکت بین نظام بانکی و تقاضا کنندگان تسهیلات، نتیجه می‌شود که منافع تقاضاکنندگان تسهیلات بانکی در بخش تولید، با مناقع صاحبان وجوه (عرضه کنندگان تسهیلات) هماهنگ است. این پدیده یعنی هماهنگی سود بین عرضه کننده و تقاضاکنندهٔ تسهیلات، به واسطهٔ حذف با و جایگزینی سود سرمایه با آن است. همچنین از حذف ربا می‌توان چنین پدیدهٔ قطعی را نتیجه گرفت که در سیستم ربوی، عرض کنندگان تسهیلات، وجوهرا به واسطهٔ انتظار افزایش نرخ بهرهٔ پس‌انداز، و همچنین جریان تولید و مصرف را با رکود مواجه می‌نمایند و آن گاه نرخ بهره ازیش یافته، به دنبال آن تولید و مصرف کاهش می‌یابد و ثبات و استقرار لازم برای دوره‌های طولانی شکل نمی‌گیرد؛ بر خلاف نظام مشارکت و نرخ سود سرمایه که تولید و مصرف را دچار چنین رکود نمی‌کند (همان، ص ۱۳۳۲).

آنگاه شهید صدر، در مقایسهٔ این دو شیوه با یکدیگر اظهار می‌دارد که شیوهٔ اول دو جهت دقیق‌تر است:

۱-۲-۱. احتمال عدم تطابق: اقتصاددانان نظام سرمایه‌داری، براساس اصول فرضی این نظام، نظریه‌هایی ابهام به عنوان علم اقتصاد ارائه دادند و پس از تحقق این نظام معلوم شد که تحلیل‌های پیش از تطبیق با پدیده‌های اتفاق افتاده و عملکرد نظام، هماهنگی کامل ندارند. در مورد علم اقتصاد اسلامی نشئت گرفته از تحلیل اصول فرضی مکتب اقتصاد اسلامی نیز ممکن است همین ناهماهنگی اتفاق بیفتد (همان، ص ۳۳۴).

۱-۲-۲. تأثیر عناصر روانی بر رفتارهای اقتصادی: عنصر روحی- روانی حاکم بر جامعهٔ اسلامی، بر کیفیت رفتارهای اقتصادی جامعه تأثیر چشمگیری دارد و تا مکتب اقتصادی اسلام

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

تطبیق نشود، این عنصر روانی فراگیر و تأثیرگذار به وجود نمی‌آید. علم اقتصاد اسلامی آن گاه تولد واقعی پیدا می‌کند که مکتب اقتصاد اسلامی، با تمام عناصر و اصول خود، در جامعه محقق شود. در چنین جامعه‌ای می‌توان پدیده‌های اقتصادی نشئت گرفته از این مکتب را تحلیل علمی علم اقتصاد را واقع‌بینانه تدوین کرد. شهید صدر در مقام مقایسهٔ دو روشی که برای تدوین علم اقتصاد ارائه داده، شیوهٔ اول را دقیق‌تر می‌داند و در نتیجه، ان را برشیوهٔ دوم که تحلیل براساس اصول فرضی است، ترجیح می‌دهد.

برگزیدن روش اول و ترجیح آن به دومی، دقیقاً با مبنای او در مورد تعریف علم اقتصاد هماهنگی دارد. در واقع، مؤثرترین عاملی که موجب شده است وی در ساخت تدوین علم اقتصاد اسلامی، روش تحلیل رویدادهای عینی برخاسته از مکتب تحقق یافتهٔ اقتصادی اسلام را دقیق‌تر و کامل‌تر از طریق دوم بداند، مبانی او در تعیین وظیفهٔ علم اقتصاد است. شهید صدر در این باره می‌گوید: هر قاعدهٔ اساسی‌ای که روابط اقتصادی را بر پایهٔ اندیشهٔ عدالت اجتماعی بررسی کند، در حوزهٔ مکتب اقتصادی قرار می‌گیرد. هر نظریه‌ای که رویدادهای واقعی اقتصاد را به صورت مستقل و جدا از اندیشهٔ پیشین یا ارزش‌های برتر همانند عدالت تبیین می‌کند، در قلمرو علم وارد می‌شود. پس اندیشهٔ عدالت، معیار تفکیک مکتب اقتصادی و علم اقتصاد است (همان ص ۱۳۸۱). بر اساس همین معیار، اندیشه‌های مکتبی از نظریات علمی جدا می‌شوند؛ زیرا اندیشهٔ عدالت نه یک پدیدهٔ علمی است و نه یک امر محسوس و دیدنی و آزمایش، بلکه صرفاً یک ارزش اخلاقی است. بر همین اساس، شناخت عدالت، در نظامی اقتصادی که مالکیت خصوصی یا بهرهٔ ربوی را پذیرفته و براساس آن، نهاد بانک را شکل داده است، در چارچوب تجربه ممکن نیست، بلکه از طریق تحلیل ارزش‌های اخلاقی که خارج از سنجش‌های مادی است، تحقق می‌پذیرد. همچنان که قانون عرضه و تقاضا که افزایش قیمت را به واسطه کاهش عرضه یا افزایش تقاضا، بر اساس مفهوم عدالت بررسی نمی‌کند، بلکه این قانون علمی صرفاً، ارتباط واقعی بین قیمت، عرضه و تقاضا را ارزیابی و تفسیر می‌کند (همان، ۱۳۹۹ق، ۳۸۲).

به دیگر تعبیر، وی تمایز مکتب اقتصاد اسلامی را از علم اقتصاد به این می‌داند که هر کسی با دو پرسش متفاوت زیر مواجه است:

الف. رویدادهای اقتصادی جامعه باید چگونه باشند؟

ب. رویدادهای اقتصادی جامعه چگونه شکل می‌گیرند و تحقق می‌یابند؟

مکتب اقتصادی به پرسش اول پاسخ می‌دهد و علم اقتصاد به پرسش دوم. در واقع، عالم اقتصادی پدیده‌های عینی اقتصاد جامعه را آن گونه که واقعیت دارند، تفسیر می‌کند؛ ولی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مکتب اقتصادی انها را در رابطه با عدالت ارزشیابی می‌نماید. علم آنچه را واقع شده است، بیان و مکتب اقتصادی آنچه را باید واقع شود، منعکس می‌کند (همان، ۱۴۲۵ق، ص ۱۹۶ و ۲۰۰ و ۲۰۶).

بنابراین، ایشان تمایز اساسی مکتب اقتصادی و علم اقتصاد را تفاوت موضوع بحث آن دو نمی‌داند، بلکه هدف آن دو را از یکدیگر متمایز می‌کند. علم اقتصاد به تفسیر رویدادهای واقعی اقتصاد جامعه، بدون توجه به ارتباط آنها با عدالت اقتصادی می‌پردازد و مکتب اقتصاد اسلام، بایستگی‌ها و نبایستگی‌های اقتصادی جامعه را در جهت عدالت بررسی می‌کند؛ البته به دنبال تمایز هدف آن دو، روش آنها نیز متفاوت می‌شود. روش مکتب اقتصادی بررسی مفاهیم و گزینه‌ها بینشی، حقوقی و اخلاقی است و دربارهٔ این گونه موضوعات با روش تجربی نمی‌توان پژوهش کرد؛ بر خلاف علم اقتصاد که درباره رویدادهایی، با روش تجربی تحقیق می‌کند. با توجه به این مبنا، در تمایز بین مکتب اقتصادی و علم اقتصاد، شهید صدر دربارهٔ علم اقتصاد اسلامی ترجیح می‌دهد که ابتدا، مکتب اقتصاد اسلام در جامعه تحقق یابد و آن گاه رفتارها و پی‌آمدهای اقتصادی نشئت گرفته از این مکتب تحلیل علمی شوند و در نهایت، اقتصاددانان ، علم اقتصاد اسلامی را تدوین کنند؛ زیرا همچنان که اشاره شده، وظیفه علم اقتصاد تفسیر رویدادهای واقعی اقتصاد است و این رویدادهای عینی اقتصادی باید، در پرتو تطبیق و تحقیق مکتب اقتصاد اسلامی شکل گیرند تا قلمرو علم اقتصاد و کاوش‌های آن به وجود آید.

در روند این شکل گیری و روش شناسی مورد نظر شهید صدر مذهب اقتصادی ، روندی متفاوت را طی خواهد کرد چراکه بر مبنای تقسیم بندی انجام شده توسط شهید صدر روش اکتشاف است که راهگشای ماست و می تواند ما را به هدف نزدیک کند.

روش تکوین و ابداع (حرکت از زیربنا به روبنا): شهید صدر بر این باور است که هر مذهب اقتصادی بر روی بنیان‌ها و مبانی نهاده شده است که مذهب اقتصادی، دستاورد و نتیجه طبیعی آن است. این مبانی درواقع همان قانون‌های هستی است و مذهب اقتصادی (بایدهای کلی)بر آن «هست‌ها» استوار است. سرانجام قانون‌ها و احکام جزئی را باید از مذهب اقتصادی استنباط کرد. بنابراین مرحله‌های بررسی و تحقیق در عرصه اقتصاد عبارتنداز:

الف- بررسی مبانی (هست‌ها)،

ب- مذهب اقتصادی (قاعده‌های کلی بایدی)،

ج- قانون‌ها و حکم‌های جزئی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

شهید صدر، اقتصاد را، چه اقتصاد اسلامی، چه سرمایه‌داری و چه سوسیالیسم، مذهب اقتصادی (قاعده‌های اساسی بایدی) می‌شمارد که پژوهشگر هر اقتصادی باید با روش ویژه‌ای به دنبال دستیابی به آن باشد. هر پژوهش‌گر اقتصادی، براساس نوع نگاهش به عالم هستی و پدیده‌های آن، برداشت خود را نسبت به «هست‌ها» سامان می‌دهد و براساس آن «بایدهای کلی» را در عرصه اقتصاد می‌پذیرد و سرانجام براساس آن بایدها، حکم‌ها و قانون‌های اقتصادی را وضع می‌کند. این روشی است که پژوهش‌گر اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیسم در مطالعه‌های اقتصادی خود در پیش می‌گیرد. وی، این روش را «روش تکوین و ابداع» یعنی حرکت از زیربنا به روبنا می‌نامد.

روش اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا): پدیدآورنده این روش شهید صدر است. آنچه از نوشته‌های ایشان برداشت می‌شود عبارت است از: حرکت پژوهشگر در اسلام، برعکس حرکت پژوهشگر در اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. در اسلام، پژوهشگر روبه‌رو با حکم‌ها و قانون‌های مدنی است (مرحله سوم از مرحله‌های تحقیق فراهم آمده است). پژوهش‌گر با سامان‌دهی آنها به مذهب اقتصادی دست می‌یابد. یعنی آغاز حرکت از مرحله سوم (قانون‌ها و حکم‌ها) به سوی مرحله دوم (مذهب اقتصادی) است. این روش را به نام «روش اکتشاف» یعنی حرکت از روبنا به زیربنا می‌نامد.

شهید صدر، جهت پای‌بند به این روش را چنین شرح می‌دهد: «انتخاب روش اکتشاف، بدان خاطر است که محقق اقتصاد اسلامی، در مرحله سوم قرار دارد و وظیفه خدای متعال آن نیست که تمام واقعیت‌های جهان هستی را برای ما بیان کند بلکه خداوند با دانش کامل به واقعیت‌ها و هست‌ها و نیز با علم به ارزش‌ها و قاعده‌های اساسی لازم، برای اصلاح امور دنیا و آخرت، حکم ها و قانون‌هایی را برای ما بیا کرده است؛ یعنی این حکم‌ها و قانون‌ها؛ از مبانی هستی‌شناسانه و قاعده‌های اساسی منسجم نشات گرفته است اما به طور مستقیم به آنها دسترسی نداریم ولی همین حکم‌ها و قانون‌ها تبلور و تجسم همان قواعد و مبانی منسجم هستند، بنابراین می‌توان از طریق این حکم‌ها و قانون‌ها به آن قاعده‌های اساسی (مذهب اقتصادی) دست یافت. بنابراین، تنها روش مطالعه اقتصاد اسلامی روش اکتشاف و حرکت از روبنا به زیربنا است.» (همان، ۱۳۹۹ق، صص ۳۶۲-۳۷۲).

شهید صدر بر این باور است: بیش از پنج درصد از حکم‌هایی که از نصوص به دست می‌آیند روشن، قطعی و یقینی نیستند. بنابراین، دسترسی به حکم‌های واقعی الهی، با مشکل جدی روبه‌روست. اما اسلام راه اجتهاد، به دست آوردن احکام اجتهادی و جایگزین نمودن آن به

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

جای احکام قطعی را روا و لازم شمرده است. یعنی پژوهش‌گر با دارا بودن ویژگی‌ها، معیارها و روش علمی روشن و شناخته شده، تلاش می‌کند تا به احکام واقعی الهی دست یابد. آنچه به دست می‌آورد هرچند ممکن است با آنچه در عالم ثبوت است فرق داشته باشد، اما به جهت شایستگی علمی کافی و به کار بستن روش مناسب از نظر شارع اعتبار دارد و به تعبیر فنی در نزد خدا حجت است. با اجتهادهای گوناگون که همه حجت نزد خدا هستند و اعتبار شرعی دارند احکام گوناگونی به دست می‌آید.

درنتیجه می‌توان مذهب‌های گوناگون اقتصادی داشت که همگی آنها از راه اجتهاد به دست آمده‌اند. بنابراین، همه حجت نزد خدا هستند اما اجرای همه آنها در یک زمان و در یک جامعه ممکن نیست. پس پژوهش‌گر اقتصاد اسلامی می‌تواند مذهب اقتصادی برتر را برای اجرا برگزیند. این مذهب اقتصادی باید دارای قوی‌ترین و تواناترین عنصرها در حل دشواری‌ها و گره‌های اقتصادی و تحقق بخشیدن به هدف‌های عالی اسلام باشد.

آیا حکم‌هایی که یک مجتهد استنباط می‌کند از به هم‌بافتگی و روانی کافی برای کشف مذهب اقتصادی با ویژگی‌های پیش‌گفته برخوردار خ1واهد بود؟

شهید صدر، در پاسخ این پرسش مهم می‌نویسد: «بی‌گمان احکام در عالم ثبوت از به هم‌بافتگی و روانی کافی برای امر بالا برخوردارند، اما در عالم اثبات ممکن است بین احکام استنباط شده مجتهد به هم‌بافتگی و روانی کافی برای کشف مذهب اقتصادی وجود نداشته باشد. بنابراین، مجتهد نمی‌تواند از فتواهای خود به مذهب اقتصادی دست یابد. درنتیجه این پرسش باقی است که پژوهشگر اقتصاد اسلامی برای کشف مذهب اقتصادی با ویژگی پیش گفته، چه راه دیگری در پیش دارد؟ در این هنگام، تنها راه صحیح آن است که پژوهشگر اقتصاد اسلامی از احکام اجتهادی دیگر مجتهدان کمک بگیرد. بدین‌گونه: احکامی از اجتهاد خود را که در جهت کشف مذهب اقتصادی با دیگر احکام ناهماهنگ است کنار بگذارد و به جای آن احکام هماهنگ استنباط شده از دیگر مجتهدان را قرار دهد. این مجموعه به دست آمده ممکن است بیشترین هماهنگی و برابری را با واقع تشریع اسلامی داشته باشد؛ زیرا از روش اجتهاد اسلامی که بیشترین استناد را به کتاب و سنت دارد کشف شده است» (همان، ۱۳۹۹ق، صص۳۶۹-۴۰۶).

شهید صدر، روش پیشین: کشف مذهب اقتصادی را برای همه عصرها و مکان‌ها کافی نمی‌داند؛ چون در گذر زمان، به علت تکامل فنی و تکنیکی، پیوند انسان با طبیعت دستخوش دگرگونی می‌گردد و دشواری‌ها و مسایل جدیدی فراروی او قرار می‌گیرد که اسلام باید

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

راه‌حل‌های سازوار با هدف‌های اقتصادی خود و برابر نیازهای زمان‌ها و مکان‌ها داشته باشد. از این روی عنصر و ایده پویا و متحرک «منطقه‌الفراغ» در شریعت اسلامی ارائه شده که ولی‌فقیه برابر شرایط زمان و مکان، در جهت هدف‌های اقتصاد اسلامی آیین‌هایی را وضع می‌کند(همان، ۱۳۹۹ق، صص ۳۸۰-۳۸۲).

۲. اقتصاد اخلاقی

شهید بزرگوار سید محمدباقر صدر که به اخلاق اسلامی آراسته است، با نوشتن کتاب «اقتصاد ما»، تأثیرگذاری ارزش‌های اخلاقی در اقتصاد را نشان می‌دهد که اصولاً بزرگترین مسؤولیّت اخلاقی یک پژوهشگر، کشف و تفسیر قوانین مربوط به یک موضوع است تفسیر و پژوهش و بررسی عمیق این کتاب نشان می‌دهد که ارزشهای اخلاقی و فضیلت‌ها در راستای کارکرد قوانین اقتصاد مکتب اسلام کاربرد داشته و می‌تواند به افزایش تولید و عدالت اجتماعی در توزیع کمک کند.اصولا شهید صدر را می توان از متفکرینی دانست که به زیبایی حوزه مسائل اجتماعی را با مسائل اقتصادی مرتبط و هماهنگ و در عین حال تأثیرگذار می داند و با این تفکر منویات خود را تئوریزه کرده است.

در تعاریف مفاهیم اقتصاد، شهید صدر بین «مکتب اقتصاد» و «علم اقتصاد» تفاوت قایل می‌شود. او مکتب اقتصاد را «شیوه‌ی حل مسایل اقتصادی و علمی» و علم اقتصاد را «دانشی که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر و روابط آنها را باکدیگر تعیین می‌نماید»، می‌داند (همان، ۱۳۹۹ ق، ص۲).

او برای روشن‌تر شدن تفاوت «مکتب» و «علم» از اخلاق کمک می‌گیرد. وی مفهوم «عدالت» را حد فاصل مکتب و علم می‌داند و آن را به عنوان شاخصی می‌شناسد که «افکار مکتبی» را از «نظریّات علمی» جدا می‌کند. (همان، ۱۳۹۹ ق، ص۱۶). او می‌گوید: «از این جا معلوم می‌شود که وظیفه‌ی مکتب اقتصاد ارایه‌ی راه حل‌هایی است که با مفاهیم عدالت خواهی سازگار باشد».(همان، ۱۳۹۹ ق، ص۱۶)

مفهوم عدالت که شهید صدر در مباحث اقتصادی بر آن تأکید بسیاری دارد، از بالاترین ارزش‌های اخلاقی است. عدالت به عنوان برترین فضیلت اخلاقی؛ و ظلم (ضد عدالت)، به عنوان بدترین رذیلت اخلاقی، در همه‌ی ادیان الهی و غیر الهی و همه‌ی مکاتب انسانی شناخته شده است.

شهید صدر درباره‌ی سیستم اقتصادی اسلام می‌گوید: «سیستم اقتصادی اسلام، خود،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

دارای یک پایگاه فکری است که خود سیستم ما را بدان رهنمون می‌گردد. این پایگاه در بردارنده‌ی اندیشه‌های اخلاقی اسلام و اندیشه‌های علمی، اقتصادی یا تاریخی بوده که به مسایل اقتصاد سیاسی سیاسی یا تجزیه و تحلیل تاریخ جوامع بشری ارتباط پیدا می‌کند»(همان).

به بیان دیگر، این شهید بزرگوار نظام اقتصادی اسلام را ترکیبی از «علم اقتصاد» و «اندیشه‌های اخلاقی اسلام» می‌داند.

از دیدگاه شهید صدر، اصل «عدالت اجتماعی» همراه با دو اصل «مالکیت مختلط» و «آزادی اقتصادی محدود»، از اصول اساسی اقتصاد هستند. او در این‌باره با بیان حدیثی از حضرت محمّد (ص) اصل عدالت اجتماعی را توجیه می‌نماید. حضرت در این حدیث (در اوّلین روزهای حکومتشان) فرموده‌اند: «ای مردم! هر کس که می‌تواند، دست کم با انفاق کردن نصف خرما، خود را از آتش جهنم نجات دهد، پس این کار را انجام دهد»(همان، ۱۳۹۹ ق،ص ۲۰۴).

شهید صدر اصل «عدالت اجتماعی» را به دو اصل دیگر برتری می‌دهد. در کتاب «اقتصاد ما»، شهید صدر به نحوی مسأله‌ی آزادی را تبیین کرده که به عنوان یکی از ابتکارات او در حوزه‌ی فقه و حقوق و اقتصاد مطرح می‌گردد. این نظریّه که در مطالب پیشین نیز به آن اشاره شد، به عنوان «منطقه الفراغ» مشهور است، تعیین محدوده‌ی معیّنی از نظام‌هاست که به واسطه‌ی پیشرفت نهادهای اجتماعی و تحوّل و مرور زمان، ولیّ امر مسلمین یا دولت اسلامی می‌تواند براساس اصول و ضوابط و اهداف، قوانین جدیدی را متناسب با اوضاع، تصویب و ابلاغ و اجرا کند.از نمونه‌های آن در جهان معاصر می‌توان به مسأله‌ی «اخلاق زیست- محیطی اشاره کرد که در «منطقه الفراغ» قرار می‌گیرد و به وضوح تأثیر ارزش‌های اخلاقی در اقتصاد را نشان می‌دهد. شهید صدر معتقد است که از دیدگاه اسلامی، عدالت اجتماعی بر دو اصل استوار است: «تکافل عامه» و «توازن اجتماعی». ایشان می‌گوید که با کاربردی نمودن این نظریّه، ولیّ امر مسلمین و دولت اسلامی و حاکم شرع می‌تواند آن را اجرایی نماید.

بنابراین، این نظریّه‌ی شهید صدر راه را برای استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی کشور در جهت توسعه ارزش‌های اخلاقی و زودودن رذائل اخلاقی باز کرده، ضمن آن که اخلاقیات را هم در امر اقتصاد ساری و جاری می‌سازد. شهید صدر در تعریف مکتب اقتصادی اسلام، علاوه بر گنجاندن مفهوم عدالت و آزادی، تأکید می‌نماید که مکتب باید بتواند در عمل هم برای رفع «مشکلات اقتصادی» چاره‌ای بیندیشد(همان، ۱۳۹۹ ق،ص۳۵).

ایشان با توجّه به نوع معرفت شناسی که یقینی‌ترین آن را نوع و حیانی می‌دانست و تأکید داشت که این معرفت را عقل نیز تأیید می‌کند، به مسأله‌ی ساختارشناسی مشکلات اقتصادی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

می‌پردازد.از نظر شهید صدر، مشکلات اقتصادی، ناشی از ستمگر بشر در توزیع ثروت و بهره‌برداری غلط از منابع طبیعی (کفران نعمت) است. (همان، ۱۳۹۹ ق، ص۲۹۵).

از کارهای ارزشمند شهید صدر، نگاه دقیق به مسایل مهم اقتصادی روز و حتّی مسایل آینده بود. این مسأله، احساس مسؤلیّت خطیر و وجدان اخلاقی او را نشان می‌دهد. شهید صدر به مسأله‌ی ربا و قرض و بانکداری حساسیّت ویژه‌ای نشان می‌دهد. این دو مسأله موضوع مهم اخلاق و اقتصاد هستند. «ربا» تجسّم عملکرد اقتصاد در رذیلت اخلاقی است و «قرض دادن» عملکرد اقتصاد در اوج فضلیت اخلاقی است. به عبارت دیگر، «قرض دادن» مفهومی است که به هر دو حوزه‌ی اقتصاد و اخلاق، به یک نسبت، تعلق دارد. شهید صدر در ارایه‌ی این نظریّات بر آن شده است که شرعاً و بیشتر با انطباق بر نظریّه‌ی «منطقه الفراغ» از نظر اخلاقی عدالت را در مورد تمام طرف‌های درگیر مسایل اقتصادی، از جمله صاحبان ابزار، صاحبان کار و صاحبان سرمایه به طور مساوی اجرایی گرداند.

۳.اقتصاد اجتماعی

شاید به ندرت متفکران اقتصاد دان مسلمانی چون شهید صدر ، یافت شوند که با اشراف کافی و وافی به مسائل اجتماعی و تنگناهای موجود در آن را کشف کرده و با مبنا قرار دادن اصول ،با نگاهی عمیق در مسائل اجتماعی به تبیین مسائل اقتصادی بپردازند. هنر شهید صدر در کتاب اقتصادنا این است که پیوندی ناگسستنی بین حوزه اقتصاد و اجتماع برقرار کرده است و به نیکویی در پی تبیین آن به بهترین شکل برآمده است.در ذیل به برخی از این موارد به طور خلاصه اشاره شده است[۱]

روش‌های تجهیز منابع

۱. سپرده جاری (قرض بدون بهره)

مطابق این الگو، بانک سپرده‌های جاری را براساس قرض بدون بهره از سپرده‌گذاران دریافت کرده و عندالمطالبه به آنان یا به هرکسی که انا حواله می‌دهند (چک به نام او می‌نویسد) می‌پردازد.

[۱] قسمتی از بخش مربوط به اقتصاد اجتماعی از مقاله‌ی «الگوی جدید بانکداری بدون ربا، سید عباس موسویان (ارایه شده در همایش بررسی چالشهای بانکداری اسلامی که به همت وزارت اقتصاد و دانشگاه تهران و بانک صادرات ایران در ۲۷ آذر ۸۵ برگزار گردید» اخذ و اقتباس شده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

۲. سپرده پس انداز (وکالت)

مطابق الگوی شهید صدر بانک، پس‌اندازهای مردم را به صورت وکالت تحویل گرفته، با آنها به عملیات مضاربه می‌پردازد و در پایان سال مالی، متناسب با مانده و مدّت سپرده‌ها به سپرده‌گذاران سود می‌دهد و سپرده‌گذار حق دارد هر زمان که بخواهد سپرده‌اش را پس بگیرد و سود چنین سپرده‌هایی به قراردادهای وکالت و مضاربه، متغیر است.

۳. سپرده مدّت‌دار (وکالت)

ماهیت این سپرده پس انداز است با این تفاوت که سپرده‌گذار، طبق زمانبندی مشخص، حق برداشت از حساب را دارد.مطابق الگوی شهید صدر، بانک بخشی از سود حاصل از به کارگیری پس‌انداز مدّت‌دار را به صورت حق الوکاله خودش بر میدارد و بقیه را به سپرده گذار می‌دهد و مبلغ حق الوکاله بین دو حساب متفاوت است.

روش‌های تخصیص منابع

۱. مضاربه

بانک منابع حاصل از سپرده‌های پس‌انداز و مدّت‌دار و بخشی از سپرده‌های جاری را به صورت قرار داد مضاربه به متقاضیان تسهیلات بانکی وا می‌گذارد و در سود فعالیت اقتصادی آنان شریک می‌شود.به فتوای شهید صدر قرار داد مضاربه، به بخش بازرگانی اختصاصی ندارد و در همه بخشهای اقتصادی چون صنعت، معدن، کشاورزی و خدمات قابل اجرا است.

۲. فرض با کارمزد

بانک، بخشی از سپردهای جاری را به صورت قرض بدون بهره در اختیار متقاضیان می‌گذارد و از آنان در مقابل ارائه خدمات اعطای قرض، کارمزد می‌گیرد.

۳. تنزیل با کارمزد

بانک بخشی از اسناد مالی مشتریان خود را به قمیت اسمی می‌خرد و فقط در مقابل ارائه خدمات کارمزد می‌گیرد (از مبلغ سند مالی کسر می‌کند).به اعتقاد شهید صدر مهم‌ترین روش تخصیص منابع روش مضاربه است و روش‌های قرض و تنزیل با کارمزد فقط به صورت مکمل (جایی که نمی‌توان از مضاربه استفاده کرد) به کار می‌روند (موسویان،۸۷)

اقتصاد مذهبی یا مذهب اقتصادی

از جمله نمودهای محسوس در اندیشه‌های شهید صدر ، نظریه‌پردازی‌های او است. کسانی که او

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

را شناخته و پای درسش نشسته‌اند، در هر کدام از ابعاد گستردهٔ این اندیشهٔ پربار، آشکارا با این پدیده رو به رو شده‌اند.او همچنان که به لحاظ فکری و فلسفی، نظریه‌پردازی می‌کرد، از نظر فقهی و اصولی نیز به ارائه نظریه‌های نو می‌پرداخت و حتی هنگامی که به تدریس تاریخ می‌پرداخت یا می‌کوشید رابطهٔ میان بشر، آفریدگار و مسؤولیت‌هایش را مطرح سازد، نظریه‌ای را طرح‌ریزی می‌کرد که تاریخ، انسان و هدف از آفرینش انسان را در چارچوب پیوند میان مقولات «جانشینی خدا و شهادت»، در برمی‌گرفت. روش شناسی شهید صدر در کشف مذهب اقتصادی اسلام را می‌توان در گام‌های ده گانهٔ ذیل فشرده ساخت:

۱. شهید صدر کوشش داشت مباحث علمی و مکتبی را بر این اساس که علم مربوط «به آن چه هست» و مکتب بر «آن چه باید باشد» انگشت می‌گذارند، از یک دیگر جدا سازد. از این جا است که «مکتب، عهده‌دار پرداختن به موضوع عدالت اجتماعی است؛ حال آن که علم، ارائه دهندهٔ تفسیر واقعیت به گونه‌ای جدا از عدالت اجتماعی است»(صدر ،۱۳۹۹ ق، ص۳۶۲).

۲. همچنان که میان مکتب و قانون، تفاوت قائل شده؛ زیرا مکتب، عبارت از مجموعهٔ نظریه‌های اساسی است که به مشکلات زندگی اقتصادی می‌پردازند؛ حال آن که قانون (مدنی) بر جزئیات روابط مالی افراد و حقوق شخصی و عینی ایشان انگشت می‌گذارد و می‌گوید: «درست نیست که پژوهشگر اسلامی- همچنان که برخی نویسندگان اسلامی انجام می‌دهند- مجموعه‌ای از احکام اسلام را که در واقع، به مفهوم امروزی، هم طراز قوانین مدنی هستند، براساس متون شرعی و فقهی و به صورت مکتب اقتصادی اسلام، مطرح سازد، گو این که پیوندهای نیرومندی میان آن دو برقرار است؛ زیرا هر دو به ارگانیسم نظری واحدی تعلق دارند» (صدر، ۱۳۹۹ق، صص ۳۶۵-۳۶۶). بنابراین، قانون، رو بنای مکتب به شمار می‌رود.

۳. وی تأکید کرده که آن چه پژوهشگر اسلامی انجام می‌دهد، به مفهوم تکوین و ایجاد یک مکتب- آن چنان که نظریه‌پردازان مکاتب وضعی انجام می‌دهند- نیست؛ بلکه در حقیقت، کشف و یافتن مکتب است؛ زیرا اقتصاد کامل و تمام عیاری که وضع شده و او وظیفه دارد حقیقت آن را دریابد و شالوده‌اش را مشخص سازد، در برابرش قرار دارد و از همین رو است که این دو عمل [نظریه پردازی پژوهشگر مسلمان(کشف کننده) از یک سو و نظریه‌پردازی دیگری (ایجادگر) از سوی دیگر] ویژگی‌های متفاوتی دارند نظریه‌پرداز ایجادگر برای وضع نظریه‌های کلی مکتب، پیش از هر چیز از شناخت وضع موجود آغاز می‌کند تا رو بناهای آن و قوانین جزئی‌تر را بر آن شالوده قرار دهد؛ حال آن که نظریه‌پرداز کشف کننده، کار خود را با فرود آمدن از طبقات بالا به منظور کشف اعماق نظری آن آغاز می‌کند و امکان دارد که کشف

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

کننده، افزودن بر یافتن خطوط اصلی نظریه از میان متون [فقهی و شرعی] موفق شود بر واقعیت‌های علمی (از جمله کشف دیدگاه اسلام دربارۀ نظریه جمعیتی مالتوس) که نظریه مکتبی بر آن مبتنی شده است نیز واقف شود.

۴. او تأکید کرده که برای کشف مکتب، طرح یکایک احکام جزئی، راه به جایی نمی‌برد؛ بلکه باید هر کدام را به صورت جزئی از کل و جنبه‌ای از بافت کلی و به هم پیوسته، مطالعه کنیم تا سرانجام به کشف قاعدۀ عامی که از کل سرچشمه گرفته باشد، نایل آییم (صدر، ۱۳۹۹ق، ص۳۷۶).

۵. همچنان که احکام [شرعی و فقهی] و مفاهیم نیز در کشف نظریۀ مکتبی نقش دارند، مقصود از مفاهیم، هریک از دیدگاه‌های اسلامی است که به تفسیر یک واقعیت هستی، اجتماعی یا تشریعی می‌پردازند؛ برای مثال، اعتقاد به پیوند جهان هستی با خداوند متعالی، مفهوم معینی از هستی است یا اعتقاد به این که مجموعه بشر، پیش از وصول به مرحلۀ عقل، از مرحلۀ فطرت گذر کرده است نیز خود مفهومی اسلامی از تاریخ و جامعه به شمار می‌رود و اعتقاد به این که مالکیت، حقی ذاتی نیست و روندی در جهت جانشینی انسان برای مالی است که به خداوند متعالی تعلق دارد نیز مفهومی در خصوص مالکیت است. همۀ این مفاهیم می‌توانند ما را در کشف و ارائه مکتب، یاری رسانند.

۶. آن شهید در کتاب اقتصادنا بیان می دارد: در این جا و در جریان کشف مکتب اقتصادی اسلام باید به مناطق آزاد [فقهی] توجه کنیم با این توضیح که نظام اقتصادی، مشتمل بر دو جنبه است: جنبه‌ای که به طور کامل بدان پرداخته شده و جنبۀ دیگری که تصمیم‌گیری دربارۀ آن به دولت اسلامی، واگذار شده و منطقۀ آزاد فقهی به شمار می‌رود. پیامبر اکرم (ص) جنبۀ نخست را خود اجرا کرد و در جایگاه ولی امر، به پر کردن جنبۀ دوم نیز پرداخت و به رغم این که فرمان‌ها و اوامری که براساس ولایت امری صادر می‌شوند، احکام ثابتی به شمار نمی‌روند، چنین فرمان‌هایی (فرمان‌های پیامبر اکرم (ص) دربارۀ پر کردن منطقه آزاد فقهی) می‌تواند روشنایی بخش و الهام بخش روش‌های انجام این کار، متناسب با تحقق اهداف عالی اقتصادی باشند (صدر، ۱۳۹۹ ق، ص۳۸۰).

۷. آن مرحوم یادآور شده از آن جا که احکام و مفاهیم، دروازه‌های ورود ما به محورهای مکتب است و نیز از آن جا که متون دینی اغلب به طور مستقیم این احکام و مفاهیم را در اختیار ما قرار نمی‌دهند و به اجتهاد پیچیده‌ای برای پرداختن به آن متون و کشف مضمون آن‌ها نیاز است: تصویری که از مکتب اقتصادی [اسلام] ایجاد می‌کنیم، چون در پیوند با احکام

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

و مفاهیم است، در واقع بازتاب اجتهاد معنی است و تا وقتی که جنبهٔ اجتهادی دارند نمی‌توان قاطعانه به واقعی بودن این تصویر حکم داد؛ زیرا امکان بروز خطا در اجتهاد به عمل آمده وجود دارد؛ به همین دلیل، ممکن است اندیشه‌وران گوناگون اسلامی، متناسب با اجتهادهای خود، تصویرهای متفاوتی را از مکتب اقتصادی آن ارائه دهند که البته هر کدام از آن‌ها، تصویری اسلامی به شمار می‌رود؛ زیرا بیانگر اعمال روند اجتهادی است که خود اسلام آن را روا و مقرر داشته و بدین ترتیب، تصویر ارائه شده اسلامی است چون برآیند و نتیجهٔ اجتهاد شرعاً جایز است (صدر، ۱۳۹۹ق، ص۳۸۳). می‌بینیم که در این جا اجتهاد در دو مرحله صورت می‌گیرد: مرحلهٔ نخست، مرحلهٔ کشف حکم یا مفهوم از میان متون؛ مرحلهٔ دوم، مرحلهٔ استنباط و برداشت خطی مکتبی از مجموعهٔ احکام و مفاهیمی است که به نظر کشف کننده در عرصه مورد نظر با یکدیگر هماهنگ هستند که البته و به طوری که توضیح خواهیم داد، همین جنبه در کشف خطوط و محورهای مکتب، نقطهٔ ضعف تلقی شده است.

۸. مرحوم شهید صدر از خطرهایی سخن به میان آورده که عمل اجتهاد را- به ویژه در مورد احکامی که به جنبه‌های اجتماعی زندگی انسان مربوط می‌شوند- تهدید می‌کنند: به همین دلیل، خطر خود محوری در روند کشف مکتب اقتصادی اسلام، شدیدتر از همین خطر بر روند اجتهاد در زمینه‌های احکام فردی و جزئی است. (صدر، ۱۳۹۹ ق، ص۳۸۲). به نظر صدر خطرهای دیگر عبارتند از:

الف. توجیه وضع موجود.

ب. جداسازی استدلال شرعی از وضعیت زمان و مکان.

ج. پیش داوری دربارهٔ متون.

۹. از جمله مهمترین مراحل این شیوه، موضوعی است که شهید صدر از آن با عنوان «ضرورت خود محوری» یاد می‌کند. او یادآور می‌شود که اجتهاد در کشف جزئیات احکام تا هنگامی که کشف کننده به وظیفهٔ خود عمل می‌کند و در چارچوب کتاب و سنت و طبق شرایط کلی که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت، به ترسیم موضوع و مشخص ساختن ویژگی‌های آن می‌پردازد، ویژگی شرعی و اسلامی دارد؛ ولی در عین حال، کشف کنندهٔ احکام [= مجتهد]، گسترهٔ انتخاب شخصی میان داده‌های گوناگون را دارد؛ بنابراین (و البته در چارچوب اجتهادهای مختلف) آزاد است و حق انتخاب دارد. او می‌افزاید: این کشف کننده که در این جا خود مؤلف هم کشف کننده است، به فتواهای مجتهد معینی مقید نیست و برای رسیدن به آن چه در نظر دارد، حتی به فتواهای خودش نیز پایبند نمی‌ماند. برای توجیه این آزادی عمل،

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

یادآور می‌شود که این موضوع در برخی حالت‌ها، یگانه راه کشف نظریه اسلام و شالوده‌های مکتبی در اسلام است و در توضیح مطلب به موارد ذیل اشاره می‌کند:

الف) احکامی که مسلمانان دربارهٔ آن‌ها اتفاق نظر داشته و تاکنون نیز موضوعیت و قطعیت خود را حفظ کرده‌اند، از پنج درصد مجموعهٔ احکام فراتر نمی‌روند.

ب) پروسهٔ اجتهاد، عملیات پیچیده‌ای است که از هر سو در معرض تردید قرار دارد و مجتهد به رغم هر نتیجه‌ای که بدان دست یابد نمی‌تواند دربارهٔ صحت آن، قاطعانه اظهار نظر کند؛ ولی با این حال، اسلام اجازه داده که همین نظر روا داشته شود و برای مجتهد نیز گسترهٔ معینی را معین کرده است که می‌تواند براساس گمان و استنباط خود و در چارچوب قواعدی که در علم اصول فقه از آن سخن به میان آمده، به اجتهاد بپردازد.

ج) بنابراین طبیعی است که هر مجتهدی، یک سری خطاها و مخالفت‌هایی با شرع واقعی اسلام داشته باشد؛ هرچند عذر وی موجه شمرده شود.

د) این نیز طبیعی و منطقی است که واقعیت شرع اسلام به نسبت‌های متفاوتی میان نظریات مجتهدان، پراکنده باشد (و واقعیت شریعت با آن تصویر اجتهادی که از سوی مجتهد ترسیم می‌شود، تفاوت داشته باشد).

هـ) بنابراین ضرورتی ندارد که مجموعهٔ احکام برگرفته از اجتهاد هریک از مجتهدان، مکتب اقتصادی کامل و پایه‌های همسان و هماهنگ با ساختار آن احکام و چند و چون آن‌ها را منعکس سازد.

و) در این جا امکان دارد وضع کسی که در پی کشف مکتب اقتصادی اسلام باشد، با وضع مجتهدی که در پی کشف احکام جزئی شرع است، تفاوت داشته باشد بدین معنا که موضع وی در جایگاه مجتهدی که حکم شرع را کشف می‌کند، به نتیجه‌ای انجامد که از نظر همسویی با خط مکتبی، با احکام دیگر هماهنگ نباشد؛ حال آن که موضع وی در جایگاه فقیه و نظریه‌پرداز، مجموعهٔ هماهنگ و همسویی از احکام را برگزیند؛ حتی اگر برخی از آن‌ها، نتیجه‌گیری‌های مجتهدان دیگری باشد. او در حذف نتایج ناهماهنگ و عناصری که با مجموعه‌های دیگر همخوانی ندارند و نیز جایگزینی آن‌ها با عناصر و احکامی که هماهنگی بیش‌تری داشته باشند، آزادی عمل و امکان اعمال سلیقهٔ خویش را دارد. عمل تلفیق و گردآوری اجتهادهای متعددی که هماهنگی و همخوانی بیش‌تری دارند، به منظور فراهم آوردن پشتوانهٔ نظری یک مجموعهٔ منسجم، صورت می‌گیرد.

ز) او تأکید می‌کند: کم‌ترین نکته‌ای که دربارهٔ این مجموعه می‌توان گفت، این است:

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

تصویری است که می‌تواند در به تصویر کشاندن شریعت اسلام، کاملاً صادق باشد؛ ولی امکان صداقت و درستی آن بیش از امکان صداقت هریک از تصاویر فراوان دیگری که فقه اجتهادی از آن‌ها سرشار است، نیست؛ ولی با وجود این، توجیه‌های شرعی خود را دارد؛ زیرا گویای اجتهادهای اسلامی مشروعی است که جملگی از کتاب و سنت مایه گرفته‌اند و به همین دلیل، جامعهٔ اسلامی امکان می‌یابد که از میان الگوهای فراوان اجتهادی شرعی که یکی از آن‌ها باید از سوی امت انتخاب شود، آن رابرگزیند. (صدر ،۱۳۹۹ ق، ص۴۰۱)

۱۰. و سرانجام دربارهٔ آن چه (فریب واقعیت‌های اجرایی) می‌نامد، هشدار می‌دهد و منظور وی آن است که اسلام طی ده‌ها سال، وارد عرصهٔ اجرایی شده و چه بسا تلاش برای کشف مکتب اقتصادی آن، با عطف توجه به همین نکته صورت می‌گیرد؛ ولی تأکید می‌کند که نظریه‌پرداز کشف کننده، در کار ارائهٔ تصویر مکتب اسلام، تواناتر است؛ زیرا واقعیت‌های اجرایی چه بسا محتوای پربار یک متن نظری را منعکس نسازند و اجرای شخصی موضوعی نیز کشف کننده [= مجتهد] را فریب دهد و برای مثال، او را با توجه به این که در صدر اسلام افراد در بهره‌مندی از ثروت، آزادی کامل داشتند (وارد جزئیات مطلب نمی‌شویم) به این سوق دهد که وجود عناصر سرمایه‌داری در این مکتب را نتیجه‌گیری کند.

۴.عدالت اقتصادی

مرحوم شهید صدر اصلا مکتب اقتصادی اسلام را برمبنای هدف‌گذاری عدالت ارایه می‌کند در این صورت سوال این است که آن عدالتی که مدنظر مکتب است کدام است و اضافه می‌کند: ما باید آن را از مکتب به دست آوریم و کشف کنیم. به این جهت که این احکام و مقررات خود براساس عدالت وضع شده‌اند. برای مثال، اگر خداوند ربا را حرام کرده برای آن بوده است که خواسته این حق را از صاحب سرمایه فعالیت بگیرد که نتواند از سرمایه نقدی خود ربا بگیرد و لذا امکان بیشتری برای فعالیت قرض‌گیرنده فراهم می‌شود. تمامی قوانین و مقررات و به اصطلاح فقه ما براساس حق تنظیم شده است و لذا اگر سهم و پاداش را متناسب با این حقوق شرعی بپردازیم عدالتی که موردنظر مکتب است حاصل می‌گردد. مرحوم شهید صدر همان گونه که پیش از این نیز به آن اشاره شد ،اجرای عدالت را به دو شکل مطرح می‌کند: ۱

۱- تامین یا تکافل اجتماعی ۲

۲- توازن درآمدها

قبل از این که از توزیع عادلانه درآمد و ثروت ، بحث شود توزیع عادلانه ، امکانات

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

اقتصادی و منابع اقتصادی مطرح است. شهید صدر در این جا بحث «توزیع قبل از تولید» را مطرح می‌کند و یادآور می‌شود که در سایر نظام‌های اقتصادی به این بحث چندان پرداخته نشده است اما در اسلام باتوجه به این که بخش مهمی از منابع به ویژه منابع عمومی در اختیار دولت اسلامی و امام مسلمین است این بحث اهمیت بیشتری دارد. این که بر مالکیت دولت تاکید می‌شود به معنای مالکیت انحصاری دولت نیست بلکه به معنای تعیین روشی مناسب برای توزیع عادلانه امکانات و منابع اولیه است. علاوه بر توزیع عادلانه منابع که مرحوم شهید صدر به آن تکیه کرده می‌توان از توزیع عادلانه فرصت‌ها، اعتبارات و امکانات عمومی سخن راند. برای مثال، دولت اسلامی باید امکان تحصیل را برای فرزندان فقرا مثل فرزندان ثروتمندان فراهم سازد، همین‌طور زمینه دستی‌یابی آنان را به مشاغل بالاتر ایجاد کند و فرصت‌های ایجاد رانت را از بین ببرد. اگر این فرضیه‌ها تحقق یابد، حاصل چنین عدالتی توزیع فقر نخواهد بود بلکه حاصل، رشد تولید و افزایش رفاه عمومی است و لذا بحث توزیع رفاه مطرح می‌شود البته باید به تفاوت توانایی‌ها و استعدادها و ذوق و سلیقه افراد توجه داشت و به این جهت اختلاف در سطح درآمدها در جامعه اسلامی وجود خواهد داشت و این خود انگیزه‌ای برای تولید بیشتر و استفاده بهتر از فرصت‌ها می‌باشد. به عبارت بهتر، نتیجه توزیع عادلانه فرصت‌ها نوعی توزیع نابرابر درآمدها خواهد شد. از سوی دیگر، در مرحله‌ای دیگر اسلام با استفاده از ابزارهای ویژه‌ای مثل خمس و زکات و ارث به دنبال عادلانه ساختن توزیع ثروت‌ها و متوازن ساختن آن‌ها می‌باشد، در این مرحله «توزیع مجدد» صورت می‌گیرد. نکته دیگر آن است که در جامعه اسلامی حق تک‌تک افراد آن است که از حداقل معیشت برخوردار شوند. خداوند در قران کریم می‌فرماید: «خلق لکم ما فی‌الارض جمیعا» این نشان می‌دهد خداوند که انسان را آفریده امکانات زمینی را هم برای آنان قرار داده و هریک از انسان‌ها در آنها سهمی دارند و تک‌تک آنان حق دارند که هم از منابع طبیعی عام بدون مواجهه با محدودیت بهره‌مند شوند و هم از امکانات قابل تقسیم و محدود زمین سهمی داشته باشند. این سهم از جنبه‌های متعدد نظیر:

خوراکی‌ها، پوشاک، مسکن، دارو و سایر مسایل رفاهی مطرح است. این سهم از طریق کار و تلاش یا از طریق به کار انداختن سرمایه و یا ترکیبی از این دو به دست آید. درمجموع در اسلام حق معاش برای افراد تایید شده است که درحد بخورونمیر و متوسط فراهم شود. در روایات تعبیر این است که افراد زندگی بدون تنگنا وسختی داشته باشند. در این میان افرادی امکان کسب درآمد نداشته و نیازمند باشند این وظیفه دولت و جامعه اسلامی است که آنان را بهره‌مند سازد به حداقل معیشت برساند البته دادن زکات برای فرد غنی کسی که از راه کار و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

به جریان انداختن منابع سرمایه‌ای می‌تواند زندگی خود را تامین کند حلال نیست و تجویز نشده است. مرحوم شهیدصدر منشا تولید ثروت را کار تعریف کرده، مرحوم شهید بهشتی هم تعبیری مشابه دارد اما شهید مطهری نسبت به این مساله انتقاد دارد و می‌فرماید: اگر کسی از منابع سرمایه‌ای برخوردار باشد که زاینده هستند در این صورت مالکیت سرمایه نیز منشا توزیع ثروت است. بنابراین وی از سه منشا توزیع: کار، مالکیت و نیاز یاد می کند. به این ترتیب توزیع عادلانه ثروت پدید می‌آید .نتیجه به کارگیری چنین سیستمی توزیع ثروت و توزیع منابع و فرصت‌ها پیدایش جامعه‌ای است که افراد و خانوارها در آن جامعه نه خیلی ثروتمند هستند و نه خیلی فقیر. در اسلام فقر پدیده بدی شناخته شده است و باید از میان برداشته شود و برای از بین بردن آن ابزارهایی نظیر زکات تعریف شده است. در درجه اول فقر بایستی در حد تامین حوائج ضروری و در درجه دوم در حد نسبی مرتفع گردد. یعنی کسانی که پایین‌تر از حد متوسط و عمومی جامعه هستند باید به سطح متوسط و عمومی ارتقا داده شوند. این امر از طریق کاستن از درآمدها و برخورداری‌های طبقات ثروتمند و با امکانات دولت اسلامی تامین می‌گردد. البته به هیچ وجه برابرسازی درآمدها و برابری مطلق ثروت و درآمد قابل قبول نیست و چنین توزیعی عادلانه نخواهد بود، عدالت آن جا است که هرکس به حقی که شایسته آن است برسد آنچه مطلوب است این است که فاصله فقیر و غنی کاهش یابد. به عبارت دیگر، جامعه طبقاتی ایجاد نگردد بلکه جامعه‌ای پدید آید که در آن به تعبیر شهیدصدر اختلاف درجات وجود دارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

نتیجه‌گیری

اگر شریعت اسلام و مذهب شیعه که گفته می‌شود با فقه پویای خود با شرایط زمان و نیازهای جامعه قابل تغییر و تطبیق است راغب و مایل باشد که مردم ایران از حالت انفعالی موجود، بیکاری، خمودگی و بی‌اعتمادی خارج شوند و فعال‌تر و مولدتر گردند و اقتصاد کشور به تحرک واقعی خود دست یابد و ثروت جامعه فزونی گیرد و بیکاری در جامعه به حداقل کاهش یابد، لازم است به یک تحول عظیم و یک دگرگونی عمیق در بنیان مالکیت دولتی و بازنگری نسبت به تصدی دولتی و سیاست‌گزاری‌های نامناسب دولتی دست بزند.اکنون به نظر می رسد با ابلاغ سیاست های کلی نظام و اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد دارایی‌های اکثرا مرده بدون بازدهی یا بازدهی ناچیز دولتی ، باید راه‌حلی عملی و سریع جهت چگونگی انتقال و واگذاری زمین‌ها، املاک، مستغلات، سهام، اموال و دارایی‌های دولتی به مردم پیدا کرد. باید تدبیری اندیشید تا مردم حلاوت مالکیت را بچشند. باید مالکیت قطعی دار و ندار دولت حتی خانه‌های سازمانی در نقاط دورافتاده کشور به پرسنل دولتی و مردم انتقال داده شود. حتی اگر دارایی‌های دولت بلاعوض به پرسنل دولت واگذار شود بازهم در مجموع به نفع اقتصاد و جامعه ایران است. بدین ترتیب کارایی این دارایی‌ها افزایش می‌یابند و بر سطح تولیدات ملی و ثروت ملی شدیدا افزوده می‌شود. چرا که از دارایی‌های مرده دولتی و رقابت دولت با بخش خصوصی ثروت زاییده نمی‌شود. بلکه افزایش در تولید و ثروت جامعه که سطح رفاه ملی ر ا برای همگان افزایش می‌دهد ماحصل کوشش‌ها و تلاش‌های مردمی هستند که مالکیت خصوصی سطح تلاش‌ها را گسترش می‌دهد و این تنها کار و کوشش مردم است که استمرار و بقا و رفاه جامعه ایرانی را تضمین می‌نماید.

داشتن ابتدا به تلاش در نگهداری و سپس به افزایش می‌انجامد، که هر دو اموری مثبت هستند. چنانچه جامعه ایرانی بتوانند راه‌حلی جهت انتقال دارایی‌های عظیم دولت به پرسنل دولتی و مردم بیابد و بنیان مالکیت دولتی را تصحیح نماید، مطمئنا مردم از ناامیدی، ناباوری و رخوت موجود خارج خواهند شد و گام بزرگی در جهت آزادسازی ذخائر عظیم طبیعی و خدادادی برداشته خواهد شد. پس مردم به سوی تلاش و سازندگی و تولید و ثروت در جامعه به حرکت درخواهند آمد. کار و کوشش مردمی به ایجاد تخصص‌های جدید خواهند انجامید و تولید و تجارت معنی دیگری خواهد یافت و آهنگ حرکت اقتصاد کشور به جلو، سریع‌تر خواهد شد.البته وجود «مرجعیت» و «رهبری ولی‌فقیه» و فقه پویا در شیعه راه را برای انجام هرگونه اصلاحات عقیدتی، ارزشی و اجتماعی و اقتصادی و امکان تفاسیر جدید از دستورات شرع

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

مقدس اسلام باز گذاشته است. اگر دولت نتواند به طور موثر عمل کند که گذشته نزدیک چنین نشان داده است، نهادهای فوق‌الذکر می‌توانند با قاطعیت بیشتری وارد عمل شوند و به اصلاح اوضاع موجود بپردازند. تنها در آن هنگام است که نقش مذهب در توسعه به گونه‌ای ملموس، عینیت خواهد یافت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

منابع :

۱. صدر، محمّد باقر،(۱۳۹۹ ه ق) اقتصاد ما، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی،بیروت، دارالتعارف لبنان. چاپ اول
۲. صدر، محمّد باقر ،(۱۴۰۱ ق)؛ ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی تهران، انتشارات مکتبۀ اعتماد الکاظمی، چاپ اول
۳. وینسنت ،آندرو ، (۱۳۷۱) نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه ، نشر نی.
۴. زیبا کلام، سعید (۱۳۸۱) «پیوند نامبارک پوزیتویسم و اندیشۀ سیاسی»، حوزه و دانشگاه، ش ۳۰، س ۸، ص ۳۲.
۵. کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۴). ایدئولوژی، روش اقتصاد، تهران، نشر مرکز.
۶. سیدمحمدباقر الصدر،(۱۳۷۵) اقتصادنا، مکتب‌الاعلام الاسلامی، الطبعۀ الاول، ص ۶۸۶.
۷. ارسنجانی ، حسن ، (۱۳۴۲) حاکمیت دولت‌ها، (چاپ اول: سازمان کتاب‌های جیبی)، ص ۶۷-۶۸
۸. سبحانی، حسن ، (۱۳۷۳)، نظام اقتصادی اسلام، تهران ،مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۹. مکارم شیرازی، ناصر ، (۱۳۸۷) فصلنامه فقه اهل بیت، شماره مسائل مستحدثه، شماره ۲۳ ، ۳۶/-۶۱.
۱۰.صدر، سیدمحمدباقر، المدرسه الاسلامیه، ۱۸۳-۱۸۷؛ فصلنامه پژوهشی، شماره ۱۱ و۱۲، مقاله: روش کشف نظام اقتصادی اسلام/۹۳-۹۵، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱.جهانیان ، ناصر، (۱۳۸۱) مجله اقتصاد اسلامی شماره ۱ بهار ۱۳۸۱ «دولت در اقتصاد اسلامی».
۱۲.سید عباس موسویان (۱۳۸۵) «الگوی جدید بانکداری بدون ربا، (ارایه شده در همایش بررسی چالشهای بانکداری اسلامی که به همت وزارت اقتصاد و دانشگاه تهران و بانک صادرات ایران در ۲۷ آذر ۸۵ برگزار گردید».

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-08]